

★ میان آن چیزی که هست

★ اصول ۱ از میان استخراج می شود ۲- آن چیزی که باید باشد ۳- باید ها و نبایدها

★ علوم تربیتی: نقش بسیار مهمی در همه ابعاد دارد و یکی از پیشه های علوم انسانی است ۸- کتابش لازم

یک نهاد است که ارزش هایی که در تاریخ جامعه خوب بوده است را به

آینده انتقال می دهد.

ارزش های سایر جوامع را هم نباید با ارزش های دیگران قضا می کند.

① جامعه شناسی تعلیم و تربیت

از منظر جامعه شناسی تعلیم و تربیت، مدرسه یا به طور کلی نظام آموزشی نهاد و پدیده ای اجتماعی است.

جامعه شناسی تعلیم و تربیت، رسالت و وظائف و کارکرد های نظام

آموزشی را مورد بررسی قرار می دهد.

② فلسفه تعلیم و تربیت: از کشوری به کشور دیگر متفاوت است

نظام آموزشی را از نظر پیامدهای اقتصادی آن بررسی می کند

③ اقتصاد تعلیم و تربیت

از منظر اقتصاد تعلیم و تربیت، نظام آموزشی در واقع نوعی سرمایه گذاری است.

هزینه های فراوانی صرف نظام آموزشی می شود تا بازده خوبی برای

اقتصاد کشور داشته باشد.

توسعه اقتصادی با اتکال به منابع مالی بوماری

امروزه عمدتاً در باره توسعه اقتصادی آدیدگاه

توسعه اقتصادی با اتکال به منابع انسانی

بعضی کشورها علیرقم داشتن منابع

مادی و مالی، توسعه و پیشرفت ندارند

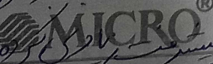
اما بعضی کشورها مانند ژاپن

با اتکال به منابع مادی و مالی فراوانی در اقتصاد

نفاذ شده با سرمایه گذاری مناسب سرمایه آموزش

نیروی انسانی بسیار موفق بوده اند

البته به نظر می رسد نظریه اول امروزه چندان قابل تمایز نیست چون



۴) روانشناسی تربیتی: به دنبال آگاهی از علایق - استعداد و نیازهای دانش آموزان

موجب پیش بینی آینده و تسلط و کنترل بر کلمه منابع از جمله زمان می شود

۵) برنامه ریزی آموزشی

کلی تر از سیاست های آموزش و پرورش است.

۶) مدیریت آموزشی: سبک های مختلف وجود دارد. مثل سبک بلور: هر چه قدر خوب مدیریت کنیم تولید زیاد می شود.

۷) مطالعات برنامه ریزی

۸) تکنولوژی یا فناوری آموزشی: گاهی تأثیر کمی دارد، گاهی تأثیر خیلی زیادی دارد مثل استفاده از اینترنت

* تربیت: ادب و اخلاق به کس یاد دادن - پروردن - پروراندن

نکته: تربیت اصیل و واقعی بر مولفه های اساسی: ۱- آگاهی ۲- آزادی ۳- اراده ۴- میل و رغبت مبنی است.

* تعلیم: یاد دادن - آموزش دادن - آموختن

* شبه تربیت: تحصیل کردن عقاید، مآبند: فلقین، تحصیل و تقلید

* تأذیب: یاد دهی مطالب از طریق ایده ها و نیاید ها

رابطه بین تعلیم و تربیت:

تربیت بدون تعلیم امکان پذیر نیست اما تعلیم ضرورتاً به تربیت منحصر نمی گردد.

تعلیم بر تربیت مقدم است؛ با تعلیم صحیح، هدفی جز «تربیت» ندارد. تعلیم و تربیت مکمل یکدیگرند.

رسمی (آموزشگاه و مدرسه ای): بین عناصر تربیتی یک رابطه رسمی وجود دارد. این

نوع تعلیمات، تحت برنامه ریزی و هدایت جوامع و نهادهای سیاسی و اجتماعی و نظامی و حکومتی (در مکان های خاص همچون مدرسه و مرکز آموزشی رسمی) می دهد.

انواع تعلیم و تربیت

غیر رسمی (آزاد): ضرورتاً مبتنی بر طرح و برنامه های رسمی و یا دولتی نمی باشد و بیشتر پاسخگوی نیازهای خاص گروه های اجتماعی است.

ضمنی: می تواند در هر دو سطح تعلیم و تربیت رسمی و غیر رسمی اتفاق افتد. برای مثال:

نهاد و مراکز تعلیم و تربیت رسمی و غیر رسمی، می توانند تأثیرات فرهنگی و اجتماعی و اخلاقی و رفتاری ضمنی بر روی افراد داشته باشند.

۱) تعلیم باید در خدمت تربیت باشد.

نکته:

۲) هدف اساسی «تعلیم» تنها تربیت است.

۳) موضوع علم تربیت انسان است.

تعلیم و تربیت انسان

★ نظر برتراند راسل:

از نظر راسل، «چگونگی» جهانی که در آن زندگی می کنیم، به «چگونگی» ما انسان ها بستگی دارد و چگونگی

ما انسان ها به چگونگی تربیت ما بستگی دارد (یعنی اگر من خواهم جهان را چگونگی آن را بشناسم، باید

چگونگی تربیت انسان ها را بشناسم.

★ نظر کانت:

انسان ابتدا تنها وجود پیدا می کند اما رشد و تربیت انسان بعداً تحقق پیدا می کند. به همین استعدادهای

کودک باید در نظام تعلیم و تربیت، رشد و پرورش یابد. در حالی که سایر موجودات این گونه نیستند.

★ نظر ژان ژاک روسو:

راز عظمت و خلقت آدمی در طولانی بودن دوران کودکی او است که باید در نظام تعلیم و تربیت، رشد

و پرورش یابد.

★ نظر خواجه نصیرالدین طوسی:

تربیت می تواند انسان را از درجه پایین به درجه بالا برساند. به همین خاطر، تربیت را از بالاترین اصالح می دانند

و آن به واسطه آن، انسان از احض موجودات (نوزادی) به اشرف مخلوقات تبدیل می شود.

عوامل موثر بر تربیت :

۱- عوامل فردی :

هر انسان ویژگی‌هایی دارد که می‌تواند در تربیت او تأثیر بگذارد. **مانند** ویژگی‌های بیولوژیکی، روان‌شناختی،

خلق، استعداد، هوش و ...

گروه‌دو می‌تواند تحت تأثیر محیط بی‌وجود آید. **مانند** هدف‌ها، خواسته‌ها، علاقه،

آرزوها، تعویبات و مانند اینها...

می‌توان گفت :

۱) ویژگی‌های فردی که در بدو تولد وجود دارند.

عوامل فردی
موثر بر تربیت

۲) ویژگی‌های فردی که تحت تأثیر نوع تربیت و محیط در افراد بی‌وجود می‌آیند.

شاهد ها و تفاوت های انسان :

۱) ویژگی‌هایی که صرفاً منطبق به هر فرد است.

۲) ویژگی‌هایی که مابعضی از افراد مشابه است. **مثال** مرد و زن بودن، ایرانی بودن، مسلمان بودن

۳) ویژگی‌هایی که منطبق به انسان است و به صورت مشترک در همه افراد وجود دارد.

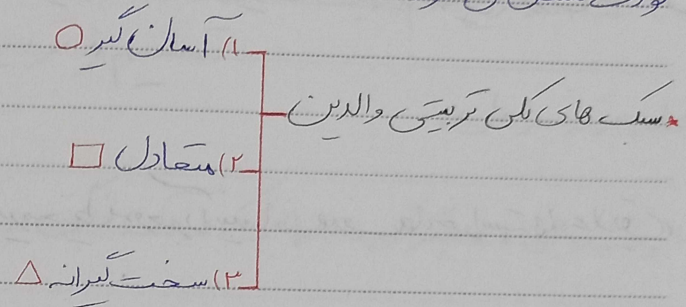
۲- عوامل محیطی :

الف) عوامل رسمی ← عوامل آموزشی و مدرسه‌ای

ب) عوامل غیر رسمی ← خانواده اولین نهاد تربیتی است که کودک در آن قرار می گیرد.

نکته: ویژگی های بیولوژیکی و ژنتیکی و روانی و خلقی خانوادگی از طریق وراثت و محیط زندگی خانوادگی به

کودک منتقل می شود.



○:

۱) مناسبات منظم و برنامه ریزی شده ای با فرزندان سازگار ندارند.

۲) تقریباً هیچ آنگاه رابطه حال خود را نمی بینند.

۳) باعث می شود که کودکان ← بی نظم - بی ادب - بی هدف - بی بندوبار تربیت یابند.

□:

۱) مبتنی بر رویکرد منطقی می باشد.

۲) در این سبک، کودکان باید آزادی عمل داشته باشند اما در عین حال مورد حمایت نیز قرار گیرند.

Δ:

۱) تلاش می کنند با همه امور فرزندان خود را تحت کنترل و نظارت خود قرار دهند.

۲) آزادی عمل چندان برای فرزندان ملاحظه نیستند.

۳) باعث می شود که کودکان ← احساس ناتوانی اعتماد بنفس پایین - مکن به دیگران

ب) عوامل عام اجتماعی ← مجموعه ای از عوامل سیاسی، اقتصادی، اقلیتی جغرافیایی و ...

کتابت می شود

۱) نظام سیاسی: هر جامعه ای دارای یک نظام سیاسی است

۲) نظام اقتصادی: برنامه ریزی و سیاست گذاری های نهاد های اقتصادی جامعه است

۳) دین و نظام ارزش های اجتماعی و فرهنگی: نوع نگرش و رویکرد و ارزش های دینی حاکم بر جامعه بطور مستقیم بر تربیت افراد آن جامعه تأثیر می گذارند.

عوامل عام اجتماعی

۴) نظام و عوامل رسانه ای

۳- عوامل فرامحیطی:

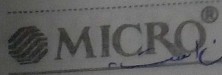
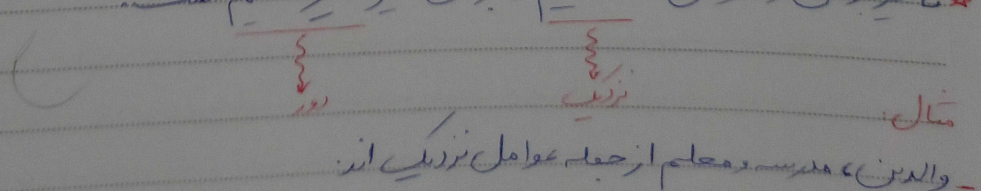
مجموعه عواملی که کنترل آنها را اختیار آدمی نمی باشد. اما بر چگونگی زندگی، سرنوشت و تعلیم و تربیت آدمی، تأثیر جدی می گذارند. مانند جنسیت، زمان و مکان زندگی محل زندگی، اسباب بودن و وضعیت

فیزیکی - وضعیت روانی

نکات عوامل موثر بر تربیت انسان:

★ عوامل موثر بر تداوم و تربیت آدمی، برخی کنترل پذیر و برخی دیگر کنترل ناپذیر اند

★ تأثیر برخی از عوامل، مستقیم و برخی دیگر غیر مستقیم است



★ تربیت و رشد آدمی تحت تأثیر همه یا بیشتر عوامل قرار می گیرد.

★ ممکن است که تأثیر عوامل تربیت به گونه ای هماهنگ نباشد و حتی در برخی موارد، تأثیرات یکدیگر را

تخریب می سازند.

★ عوامل تأثیرگذار تربیتی همواره مثبت نیستند.

★ تأثیر عوامل تربیتی در دوره های مختلف زندگانی متفاوت است.

★ هر چه افراد بزرگتر می شوند، تأثیر عوامل فردی بر تربیت آنان بیشتر می گردد.

★ حضور عوامل تأثیرگذار بر تربیت همه افراد بلیسان نیست.

★ تأثیر پذیری همواره آگاهانه نمی باشد اما تأثیرگذاری عمدتاً لازم خودخواستگی و اراده مندی است (تربیت

هر فرد بر ایمان می سازد.)

عام: در معنای عام آن، مباحثی بر زمینه‌هایی که تعلیم و تربیت مکتبی و تحت تأثیر آن است گفته می‌شود.

مباحث تعلیم و تربیت

خاص: در معنای خاص و دقیق تر آن، به توصیفات و تعاریفی که درباره انسان بر عنوان (موضوع تربیت) بیان می‌شود، اطلاق می‌گردد.

تفاوت مباحث عام و خاص:

مباحث عام زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و فرهنگی را شامل می‌شود که خود جزو تعلیم و تربیت نمی‌باشند ولی در تعلیم و تربیت تأثیرگذار است.

اما در معنای خاص، مباحث تعلیم و تربیت فقط روی موضوع تربیت در همان انسان است نظر کرده است.

تعلیم و تربیت در معنای خاص:

۱- مباحث علمی

الف) مباحث زیست‌شناسی:

می‌گوید که انسان در طول زندگی مراحل مختلفی را طی می‌کند و علم بیولوژی که تحولات جسمانی

و کاهش یا افزایش قابلیت‌ها و ضعف‌های آن را تبیین می‌کند و از آن حیث که می‌تواند ویژگی‌ها

و قابلیت‌های انسان را معرفی کند، می‌تواند بسیار مفید باشد.

ب) مبانی روانشناسی:

علم روانشناسی به دنبال شناخت قانون‌های حاکم بر روان و رفتار آدمی است.

۱) روان‌کاوی: نظرات فروید: آدمی در بدو تولد دارای یک نوع انرژی روانی به نام لیبیدو می‌باشد که محتوای آن را توغیر نره اصلی جنسی و پرخاشگری تشکیل می‌دهند. شخصیت انسان دارای سه جزء نهاد، من و فرس برتر است. نهاد آن بخش از شخصیت آدمی که به دنبال کسب لذت است. من: بخش واقع بین شخصیت آدمی ← من قوی تر ← استحکام شخصیت من برتره در واقع همان وجدان اخلاقی است.

۲) رفتارگرایی: انسان مانند لوح سفید است. روانشناسان رفتارگرا مانند وائسون و اسکینر تحت تأثیر آراء منتقدان تجربیگرا مانند جان لاک، انسان را مانند لوح سفیدی می‌دانند که به زحور کامل از محیط پاشرو نقش می‌پذیرد.

۳) شناخت‌گرایی: انسان مانند لوح سفید نیست و استعدادهایی دارد.

ب) مبانی جامعه‌شناسی:

نظریه‌های ← او معتقد است که انسان که در تربیت به دنبال روی هستیم، انسان نیست که طبیعت در

اختیار ما گذاشته است، بلکه انسانی است که ما با مورد پسند جامعه واقع شون از نظریه در تعلیم و تربیت

ناید وجود فردی به وجود اجتماعی تبدیل گردد. چرا که فردیت آدمی، اساساً امر قابل توجهی نیست.

از نظر جامعه‌شناسی، تعلیم و تربیت وسیله‌ای است که باید انسان را برای یک زندگی اجتماعی آماده و

وی را از فردانید جامعه پذیری یاری نماید.

- ۱) انسان شناسی ← انسان کیست؟ چرا باید زندگی کند؟ چه اهدافی باید داشته باشد؟ چه مسئولیت‌هایی دارد؟
- ۲) متافیزیک ← چه تصویری نسبت به هستی داریم؟ رابطه انسان با خدا چگونه است؟
- ۳) معرفت‌شناسی ← چگونه معرفت برای انسان حاصل می‌شود؟ ماهیت معرفت و آنگاه چیست؟
- ۴) ارزش‌شناسی ← ارزش‌ها از کجا منشأ می‌گیرند؟ چرا انسان باید به سوی ارزش‌ها تلاش کند؟

مبانی فلسفی

افلاطون، انسان را موجودی می‌داند که دارای سه قوه غضب و شهوت و عقل می‌باشد که در دو قوه اول

تشبیه حیوانات است و آنچه انسان را از سایر موجودات متمایز می‌سازد، نیروی عقل است و در نیروی

دیگر باید فرمانبرداری و در اطاعت قوه عقل قرار گیرند. (از نظر افلاطون، تعلیم و تربیت در واقع پرورش نیروی عقل است.)

امام محمد عزالسلی، انسان را دارای چهار نیروی شهوت، غضب، عقل و دل می‌داند. از نظریه دل باید

پایبندی کند، عقل در وزارت دل باشد و شهوت و غضب باید بارگزار وجود آدمی باشند. (پرورش عقل و

سرانجام پرورش دل، مهم‌ترین غایت و مقصد تعلیم و تربیت خواهد بود.)

ایده‌آل است: وجود اشیا وابسته به ادراک ذهن انسان است. لذا اگر نتوانیم چیزی را ادراک کنیم، آن چیز وجود نخواهد داشت.

تقدم معرفت
شناسی فلسفی

و تالیست‌ها: وجود اشیا وابسته به ادراک ذهن انسان نیست. به عبارت دیگر اشیا صرف نظر از ادراک ما وجود دارند. (شخصی که برای ما حاصل می‌شود نتیجه تعامل ذهن و عین است.)

Project :

Date :

۳- مبانی دینی و فرهنگی

فرهنگ پذیری (جامعه پذیری)

کارکردها (وظایف)

تربیت در جامعه

تغییر و تحول

* اگر بین این دو تضاد ایجاد شود، باعث ایجاد تعارض بین نسلی می شود.

اهداف و اصول تعلیم و تربیت

اهداف تعلیم و تربیت: کارکرد اهداف، در زندگی:

۱- مصابیحی به زندگی:

داشتن هدف ← معنادار بودن زندگی

۲- وحدت بخش به فعالیت ها:

تدوین اهداف ← انسجام و نظم فعالیت ها

۳- پرورش قابلیت های آدمی:

تدوین اهداف ← پرورش قابلیت های آدمی

۴- انگیزه سازی:

تدوین اهداف ← انگیزه سازی + تلاش و کوشش مستمر

اسان های بی انگیزه ← بی هدف

۵- استفاده بهینه از منابع:

تدوین اهداف ← کلیه منابع در اختیار، به نحو احسن مورد استفاده قرار می گیرد

۶- ایجاد اعتماد بنفس و آراش:

داشتن هدف ← داشتن اعتماد بنفس و آراش روانی

۷- امکان ارزیابی میزان پیشرفت :

اهداف، امکان تعیین و سنجش مأمولت وضع موجود و مطلوب را فراهم می سازند

نداشتن هدف ← داشتن سنجش

۸- ارزشمندی :

ارزش هر آسانی به نوع و سطح اهداف وکی بستگی دارد.

۹- رابطه با تلاش :

هدف ↑ نیازمند ← تلاش ↑

تربیت غربی و دینی :

هدف: عمده آموزش ← به دنبال پرورش انسان مقدر به تکنولوژی

داری جهت گیری آزا و غیر دینی ← سازندگی اجتماعی

زیربنای آن علم (دانش واقعی) است.

غربی

هدف: پرورش ← به دنبال پرورش انسان خوب و معطوف به ایدئولوژی

جهت گیری دینی و موعودانه ← سازنده است

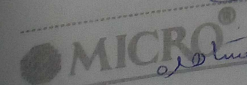
زیربنای آن حکمت (بینش، روشن بینی و هدایت) است.

دینی

انواع اهداف
آرامش ← عالی ترین سطح مقاصد بسیار بلند مرتبه نشان دهنده افق های بسیار دور است
کنش ← کلمات کمتر نسبت به آرامش - حلقه اتصال ملامت و تعلیم و تربیت با آرمان های تربیت

عینی ← توصیف عینی و عملی کرد خصوصاً چگونگی تحقق اهداف

تفصیلی ← توضیح اهداف عینی در قالب های رفتاری جزئی و قابل مشاهده



۱- اهداف تعلیم و تربیت باید در سطوح آرزو، کلی، عینی و رفتاری باید در نظر و بلائیم راسته باشند

اصول تعلیم و تربیت:

۱- اصل فعالیت:

آدمی بطور طبیعی، موجودی با انرژی فعالیت، کنجگاو و فعال است.

فعالیت بیشتر ← رشد بیشتر

۲- اصل کمال:

کلیه فعالیت های کودک باید در مسیر رشد و کمال وی انجام شود. برای رسیدن به کمال، برخی اوقات

لازم است تا معلم کودک را از تسک لذت آسنا بازدارد، تا بتواند وی را برای رسیدن به کمال آسنا آماده

سازد.

۳- اصل آزادی:

در تعلیم و تربیت، اصل آزادی بسیار مهم است. اگر اصل آزادی اتفاق نیفتد ممکن است موجب

سبب تربیت ها شوند. سبب تربیت: تحمیل کردن عقاید

۴- اصل اعتبار:

تعلیمات معلم باید دارای اعتبار باشد تا مریضان را به سوی امور معتبر هدایت کند.

۵- اصل تناسب:

اقدامات تربیتی باید با ظرفیت های روانی و ذهنی و جسمی فرآیند هماهنگ و متناسب باشد.

4- اصل فردیت:

هر انسان موجودی منحصر به فرد و دارای ویژگی‌های اختصاصی است. این اصل به معلمان در توجیه
 به تفاوت‌های فردی فراگیران کمک می‌کند. روسو معتقد است که هر معلم، تنها باید معلم یک دانش
 آموز باشد. حال آنکه معتقد است با هر مرتبی باید همچون فردی معاینه و با دیدن رفتار شود. لا یارب
 معتقد است برای هر دانش آموزی باید یک برنامه سفارشی تهیه گردد.

7- اصل اجتماع:

آدمی ذاتاً موجودی مدنی بالطبع است (الزماً باید در اجتماع زندگی کند. سعادت، رشد و کمال آدمی در اجتماع
 رخ می‌دهد. اگر فردی در اجتماع انسان زندگی نماید، نفس تواند مراتب رشد و تعالی را طی کند.

8- اصل برنامه بندی:

تربیت مستلزم طرح و برنامه‌های مناسب و لازم در اشکال گوناگون مدت، میان مدت و بلندمدت است.
 پس برنامه‌ها موجب عدم تحقق اهداف می‌شود.

9- اصل جامعیت:

تعلیم و تربیت باستی (تمامی ابعاد فکری و عقلانی، عاطفی و ذوقی، اجتماعی، اخلاقی و مصنوعی،
 جسمانی و مادی) باشد. کم توجهی و بی توجهی \leftarrow تربیت افراد نیمه فرهیخته و نیکوچری

10- اصل عطفیت:

تعلیم و تربیت باستی با استفاده از عواطف انسان مدرن و مدرنیسم صورت پذیرد.

از نظر بیستالوژی، ذات تربیت «محبت» است. محبت بنیاد تربیت است. خواص نصیرالدین طوسی محبت پدری و مهرورزی را از ویژگی های ذاتی انسان می داند. وی معتقد است واژه «انسان» از نیان نیست بلکه از انش است که خصیصه ذاتی انسان است. راز شیفت اسلام اصل عطف است. نباید در آن افراط و تفریط کرد:

گفتار محبت ← تحول و رشد کودک را به عقب می اندازد.

افراط محبت ← کودک را فردی انجود راضی و متوقع بار می آورد.

۱۱- اصل زماننداشتی:

تربیت مطابق نسل جدید و این به معنای نسی گذشته نیست.

۱۲- اصل تداوم و استقامت:

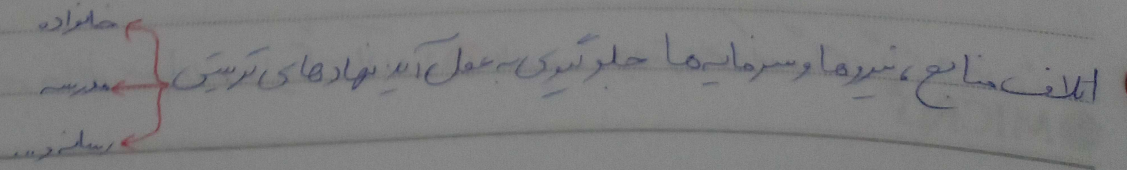
فرآیند تعلیم و تربیت فرآیندی جاری و استقامتی است. تعلیم و تربیت فی نفسه امری مستمر و درج است و بصورت استدارجی رخ می دهد.

* فواید تداوم و استقامت تربیت: موجب بهره گیری بیشتر و وسیع تر از زندگی، عمر و استعدادهاست و می تواند

زمینه شکوفایی هر چه بیشتر قابلیت های آدمی را فراهم سازد.

۱۳- اصل هماهنگی:

همه نهاد های تربیتی باید نقش و مسئولیت خود را به صورت هماهنگ و همسوی با سایر نهادها انجام دهند تا از



۱۳- اصل هدایت عملی :

هدایت عملی هم تأثیرگذار و هم جذاب تر است. هدایت عملی باید سیر و جنبه‌های تربیتی باشد. از نظر کیفیت

اثر تربیتی صرفاً بر بنیاد نفوسها، نهودها، کنفرها، شیوهها و مانند آن باشد. همه چیز بنا به خواهد شد.

مربیان در سنین پایین تر، نقش بزرگ تر دارند.

۱۴- اصل روشنگری و تبیین :

ایمان، تعلم و تربیت انسان مبین بر شناخت و آگاهی است. کمال آفرین برای دورترین غلغی

و عملی است. رکن اول آن، بحث کسب شناخت، آگاهی و بصیرت بر رکن دوم مقدم است.

شناخت عملی در عمل بسیار موثر و تأثیرگذار است. شناخت باطل تر \leftarrow تربیت عمیق تر، عمل صحیح تر و

سریع تر و باطل تر خواهد بود.

۱۶- اصل طبیعت :

در تربیت باید شرایط و ظرفیتها و مراحل و روند تحول طبیعت انسان در درون و ظواهری برافه و

اقدامات تربیتی، مدنظر قرار بگیرد. روش معتقد است. طبیعت، راههای تربیت است و تربیت باید

به آن وفادار بماند. طبق نظر اکتویس در اصل طبیعت (۱) تربیت باید در چهار زندگانش آغاز گردد (۲) طبیعت پیش از

هر چیز آماده آن را فراهم می کند. پس در تربیت هم باید وسایلی از قبل آماده باشد (۳) طبیعت در عملیات خود دچار

نظم است و آشفته نمی شود (۴) در تمام عملیات طبیعت، پیشرفت از نظم درون است. مکتبش باید اول

امور را درک کند بعد از آن خاطر بسیار و نهایتاً یاد آورد (۵) طبیعت جهش نمی کند و با هم مستقر می شود.

۶) طبیعت، بافت از موافق و آفت های رشد جلدگیری می کنند

مفهوم کشف و وضع و مقوله تناقض بین اصول:

۱) بعضی از اصل ها کشف کردن و بعضی وضع کردن اند

۲) تفاوت اصل ها

۳) اصل فردیت و اجتماعی یا اصل آزادترین یا اقدارترین

• وضع کردن بودن اصل یعنی قواعدی را وضع می کنیم مبتنی بر نظام ارزشی، می توان دین، استدلالات فلسفی و ...

اصل فردیت یا اجتماعی - اصل آزادی ترین یا اقدارترین:

این ها شاید در لفظ متضادند ولی در واقعیت تکمیل کننده و مکمل یکدیگرند و هر یک از آنها در لفظ

معناهای دیگری دارند که در این معنا متضاد هم نیستند. استدلالات ۱) خشونت ۲) نفوذ مصنوعی

آزادی ۱) برهائی

• وقتی جامعه و فرد هر دو به سوی کمال در حرکت باشند، تقابل فردیت و جامعه منتفی خواهد بود.

• اگر مسیر حرکت فرد و جامعه یکدیگر ناهماهنگ، نامسو و یا متضاد باشد، ایجاد تضاد بین اصول فردیت و اجتماع

اجاد تعلیم و تربیت :

۱- بعد تربیت اجتماعی :

اهمیت اساس این بعد، به دلیل آن است که اساساً آدمی موجودی اجتماعی است. سعادت وی در گرو زندگی اجتماعی است.

جان دویس معتقد است برای تحقق و دستیابی به اهداف، مدرس باید به یک اجتماع یا جامعه

در شکل جنسی و کوچک تبدیل گردد. تربیت مدرسی یعنی فراگیری و تسلط نو برای مشارکت آگاهانه و منطقی

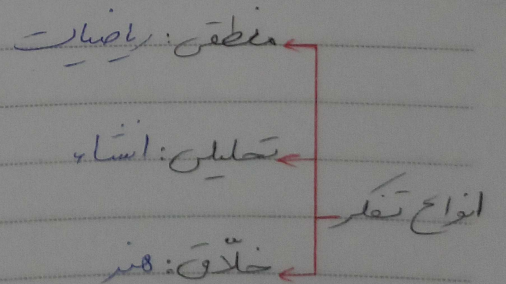
در امور سیاسی تربیت شوند.

۲- بعد تربیت فکری و عقلانی :

آدمی دارای قوای عقلی و توانمندی های ذهنی فراوان است که باید در تربیت، توسعه و پرورش یابند. پرورش

قوه عقل و خرد در انسان، بهترین صفت و ویژگی آدمی است. ابزار پرورش عقلی، سواد آموزی است.

سواد ← سنتی: یادگیری خواندن و نوشتن و حساب کردن
مدرن: سواد های جهانی و دیجیتال



۳- بعد تربیت عواطف و احساس:

ادبی، دارای عواطف و احساسات و هیجان‌های تواناگون مثل غم، شادی، اضطراب، فشم، ترس و...

می باشد. مربیان باید قابلیت کنترل و استفاده مطلوب از این نیروها را بدست بیاورند.

پس توجهی بکیم و مهمی نسبت به پرورش عواطف و احساسات ← بیامدهای زیانبار برای فرد و جامعه

۴- بعد تربیت زوقی، هنری و زیبایی شناختی:

باید قابلیت‌های زوقی، هنری و زیبایی شناسانه در فراگیران پرورش یابد. مهارت‌هایی مثل نقاشی،

گرافیک، خطاطی، موسیقی و...

۵- بعد تربیت اخلاقی:

طرفین‌ها، گرایش‌ها و قابلیت‌های اخلاقی انسان پرورش یابد. تربیت اخلاقی باید گونه‌ای

باشد که منجر به بروز خصیصات عملی و رفتاری در مربیان گردد.

۶- بعد تربیت دینی و معنوی:

از طریق آن تلاش می‌گردد که تدریس‌های درونی فرد به شکل پایدار در مربیان پرورش یابد و رفتار آنان تابع

نظام باورها و اعتقالات دینی باشد.

۷- بعد تربیت فنی و حرفه‌ای:

ایجاد آموختن‌های شغلی و حرفه‌ای در مربیان ماضن سیاسی علائق و قابلیت‌ها، مهارت‌های

شغلی و حرفه‌ای را در مربیان پرورش دهد.

۸- بعد تربیت فن آوازانه

بیشتر فست گسترده فن آفری اطلاعات، نصیرات بنادی در یک حوزه زندگی بیشتر در حال وقوع می باشد
این نصیرات زنیای تعلیم و تربیت را در همه ابعاد و عناصر آن دچار تحول قرار گرفته است -

مترین باده گونای تربیت شود که با لیب شناخت و آلهی و مهارت های لازم در صیالی بتواند با جهان تعامل
برقرار کند

۹- بعد تربیت بدنی:

۱) دادن آراهی رزمینه سلامت جسمانی و شیوه های حفاظت از آن به مترین

۲) شناسایی استعداد و تحقیق را حین علائق ورزش و دادن فعالیت مناسب به مترین

از خفودگی و افسردگی مترین بیان جلوگیری کرده و موجب نشاط و عدم کم تحرکی می شود

۱۰- بعد تعلیم و تربیت جنسی:

مسائل و نیازهای جنسی مناسب با سن فراگیران باشد. پروگرامی باعث پرورش کودکان تک بعدی

تعلیم و تربیت طبیعی :

بهترین اطلاق می گردد که هدف های تربیتی مندرج در طبیعت را فی بدبرد و این نوع تربیت

از نگاه به توسعه فعالیت ذاتی آدمی، روی گردان نیست.

نظریات ارسطو، فیلسوفان در باره تعلیم و تربیت طبیعی

سقراط :

از نظر سقراط اندیشه یونان باستان سعی نمود تا با تربیت توجه فرد به شناخت خود، به بیدار کردن طبیعت

روی سپردارند.

افلاطون :

معتقد بود که تربیت فرد دوگانه است. ۱. تربیت تن. ۲. تربیت روان. تربیت روان به معنای شکوفاندن

«روایکی های آدمی» و پروراندن جنبه های گوناگونش چنانکه با طبیعتش خوشایندی داشته باشد.

ارسطو :

معتقد بود که در تربیت، ۳ اصل باید مورد توجه قرار بگیرد: ۱. طبیعت اساس فعل و انفعال حیات آدمی است

و موجب سائق های عاطفی می شود. ۲. عادت به معنای تسلط بر اعمال غیر عقلانی است. ۳. پرورش عقل

که وی آن را مهم ترین صفت اختصاصی بشر می داند.

دلیل تقویت تفکرات ارسطویی ← تأکید بر طبیعت ← کار عالم خبر گرفتن از مقتضیات طبایع اشیا.

با آغاز دوره رنسانس ← پیوستگی لوئیگد جمیری و عمرین دین امور بر طبایع فکری ← بحث قوانین طبیعت با نگاه جدید

* فرانسس بیکن :

- به هیچ شاف علی مرتبط نبود.

- پایه لداری فلسفه علم در دوران جدید، با روش کردن اهمیت روش تجربی و بیتری آن

* مونتس :

معتقد بود که طبیعت همه ما را آزاد و مستقل آفریده است ما و علاوه بر آنکه فردیت، خواهان تربیت تمام

افراد بشر بر طبق اصول طبیعت بود.

* ژان لکینوس :

شدیدا تحت تاثیر بیکن بود و اعتقاد داشت که اگر آموزش باید تعلیم بر موضوع های سودمند باشد شود

او بیشتر فواید آنها از راه علم ممکن می آید و اصول تربیتی خود را بر اساس طبیعت در اصل مطرح نمود.

* جان لاک :

معتقد بود کودک را با تمام محایب و تقاضی و با جمیع امکاناتش، چنانکه طبیعت آفریده است، در اختیار

گیریم و از این همه امکانات، هر چه بیشتر به نفع خودش استفاده کنیم.

* ژان لاک روسو :

به پیروی از لاک معتقد بود که همه چیز ناشی از تجربه است، مگر طبیعت آزاد و فعال پذیر انسان و به بحث

عمده ای از نظرات وی، متأثر از اندیشه جان لاک، مونتس و لکینوس است.

تعاریف دیگر تعلیم و تربیت طبیعی:

* برای رشد و پرورش کودک باید طبیعت و چرخه های بی شمار آن توسط دست و از هرگونه پرورش کودک پرهیز و اجتناب ورزد.

* شگوفایی توانایی های بالقوه طبیعی، وظیفه علمی مانند زیست شناسی، روان شناسی و جامعه شناسی است.

تعلیم و تربیت منفی روسو:

به تنگی طبیعت آدمی، اعتقاد کامل نشان داده و بر شگوفایی توانایی های طبیعی آدمی که باید به دور از اجتماع صورت گیرد، تأکید شده است.

- کار تعلیم و تربیت، شگوفانیدن همه توانایی های بالقوه کودک است.

- آزاد گذاشتن کودک برای انجام فعالیت ها

- او تربیت را در یک مصفا تغییر طبیعت، و در مصفا دیگر تبعیت از آن می داند.

مراحل رشد کودک از نظر روسو:

۱- از تولد تا ۵ سالگی:

- تأکید بر فعالیت های جسمانی

۲- از ۵ تا ۱۲ سالگی:

- دوره توجس کودک است.

- باید از راه تجربه و ساماندهی و از استدلال خودداری کند.

Subject :

Date :

۳- از ۱۲ تا ۱۵ سالگی:

- دوره رشد عقلان بشر است.

- توانایی ارزشیابی و داوری های انتقادی را پدید می کند.

- توانایی موضوعی علوم مانند اخترشناسی، کشاورزی و ...

۴- از ۱۵ تا ۲۵ سالگی:

- علائق مذهبی بر جوان غالب دارد و با بر نظایر از مذهب طبیعی بودن موضوعه شود.

• روسو برای آزادی و انضباط تأکید خاصی دارد و می گوید که باید آزادی را در ضمن نظم

• آزادی بیرونی از نظم است، آزادی استفاده از قدرت های طبیعی است و به همین دلیل روسو، آزادی

طبیعی را اطاعت از قانون می داند.

• اگرش روسو به یادگیری و آموزش آتلون نیست که صرفاً علوم به کودکان آموخته شود؛ بلکه باید در دانش

آمران زود و علاقه و میل به یادگیری ایجاد نمود. روسو می گوید: «کودکان را عادت دهید تا به مایه

آنچه یاد می گیرند پی ببرند و آموزش باید تجربی، عقلی و از راه طبیعت باشد»

بازو:

دی با تعلیم و تربیت رسمی مخالف بود و طبیعت گرایی را با آموزش و پرورش در رسوم، آداب و عادات و تحت عنوان

بسیار لغوی و فریبی :

بایستی از روسو، تعلیم و تربیت را شکوفان نمودن هفتاد و نوا این های طبیعت نهفته را آفرین تصنیف کرده

و باید بایستی از قانون های طبیعت رشد صورت گیرد

بسیار لغوی دیدگاه روسو را تصحیح کرد و نشان داد که آموز شده حقیقتاً جامع ای است که در آن حسن

مسئولیت قواعد و هنجار های همکاری برای پرورش، به طور کافی وجود دارد و لازم نیست مترین در حصار

فریب تربیت و از دیدگان جدا باشد

هر بار :

اعتقاد داشت که آموزش اساساً باید مبتنی بر علائق کودک باشد و معتقد بود که هدف تعلیم و تربیت

آماده کردن کودکان برای زندگی در نظام اجتماعی است

کانت :

معتقد بود که تعلیم و تربیت به معنای شکوفاندن طبیعت آدمی است و با تعلیم و تربیت، بشر انسان

می شود و آدمی همان چیزی است که تربیت آزاد می سازد و هفتاد و روسو بر تعلیم و تربیت عملی تأکید

می فرماید

از معتقد بود که بهترین راه فهمیدن و شناخت یک نقش آن است که آن نقش به وسیله مترین طراحی

شوند چرا که بهترین راه فهمیدن، همان انجام دادن است

فرویل :

معتقد بود تعلیم و تربیت باید بر اساس طبیعت، مراحل و قانون های آن باشد. و معتقد بود کودکان همانند نهال های هستند که طبیعت نیروی رشد و تحول را در رول آنها نهاده است.

بارگرت:

همانند فرویل به طبیعت علاقه مند بود و معتقد بود که باید نیروی خلاقیت کودکان، به بهترین وجه به بار گرفته شود و معتقد بود به تعلیم و تربیت نظری و عقلی.

خانم مونتسو سوری:

اعتقاد داشت که آموزش و پرورش باید ب انکای مشاهدات دقیق و مستقرا از طبیعت و قوانین رشد کودک الهام گیرد و همانند روسو به تفاوت های فردی کودکان اعتقاد داشت و معتقد بود که روش های حفظی آنها باعث انباشتنی ذهنی کودکان می گردد و هیچ فایده تریستی ندارد.

نظریه روسو:

تحت عنوان انقلاب کوبرنیک مطرح است.

نقاط ضعف نظریه روسو:

- ۱- ابهام در مفهوم و تعریف طبیعت است. خود روسو به این موضوع واقف بود و مسأله قرار داد اجتماعی را طرح کرد که زمینه پیدایش یک جامعه طبیعی منطبق با طبیعت انسان را فراهم آورد.
- ۲- تناقض بین مفهوم طبیعت در معنای ویژگی های غریزی و طبیعی با مفهوم و مقوله انسانیت است.
- ۳- وی یک نوع شیوه آموزش خصوصی را در این باره مطرح کرده است.
- ۴- نسبت بزمان در مقایسه با مردان، گذشت بصفین آمیز رو دارد.

تعلیم و تربیت انتقادی:

رشته‌های پرانگیزه‌های مارکسیسم دارد. نظریه پردازانی همچون یانگوف فریره، ایوان ایلچ، ماکس ایل، هنری ژورو و دیگران بر این باورند که ساختارهای طبقاتی اقتصادی - اجتماعی موجود باعث تسلط طبقات بالاتر اجتماعی بر طبقه‌های پایین تر جامعه می‌شود. فاکس معتقد بود در نظام سرمایه داری انسان تنها به عنوان ابزاری در خدمت مقاصد مورد نظر است.

موتور حرکت تاریخ ← اقتصاد

۱- کفون

۲- برده داری

۳- فئودالیسم

۴- سرمایه داری

۵- سوسیالیسم

در گون سازی

هدف نظریه انتقادی ← تحول جامعه

برهائی انسان

نظریه انتقادی:

ارائه الگوی جدیدی از تعلیم و تربیت در جهت رسیدن به عدالت اجتماعی که در آن دایره‌ها

همچون ره‌این بخش، استیلا و برتری، تحول اجتماعی و مانند اینها کاربردهای فراوان

دارند

موردان:

هدف، تربیت افرادی خودآگاه، نقاد و دارای فعالیت‌های اجتماعی است. آزادسازی به معنای

آزادی فرد از قید و بند‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. برابری و عدالت انزاری برای

رشد، ارتقاء و ایجاد عدالت اجتماعی باشد

پانولو فریره:

فرهنگ سکوت بی‌بهره‌ان: نادان و ضعیف بیش از حد بنویان و مستمندان ناشی از سلطه

اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر خوردار و مسلط است. نهاد تعلیم و تربیت موجود پیش از

مهم‌ترین و موثرترین وسایل برای ایجاد شبیه و حفظ فرهنگ خاموشی و سکوت بی‌بهره‌ان است.

تعلیم و تربیت عامل اصلی ایجاد تغییرات و اصلاحات بنیادی از راه اندیشه‌فروزی، عمل و

هوشیار سازی مستم‌دیدان است. نظام‌های آموزشی در جهان سرمایه‌داری در خدمت سلطه

و تعمیق فرهنگ سکوت، فرمانبرداری، بدگس و خاموشی است. مدل بانکداری وسیله‌ای

برای ظلم و بردار است. این نظریه را بدالفورزی مقاومت نیز می‌گویند

ابوالان ایللیج

مُدع ایدره «مدرس زاری» از جامعہ است. وی معتقد بود کہ مدارس کنونی در نظام های سرمایه داری

و اجتماعی نابرابر، با ساختار عملی و تسلسل نقشه چیز نهادینه سازی نابرابری های اجتماعی را

نشانند. وی اهداف اصلی مدارس موجود در نظام های سرمایه داری را رام کردن و اغوای نسل نو

در چهار چوب و بنیادی رویای نسل بالغ، نبرگسال و مسلط می داند. پرورش افرادی چون و جبر ایللیج

مدارس راه چون کلسای جدید جهان می داند در حالی که نو اندک شده معرفت و آگاهی اند

بر درس مدرن، تأمین کننده سکوت و منبردار استغفال برای فراتر آن است.

حاکم ایللیج

تحت تأثیر ملت فراتلفورت بود. وی معتقد بود مدارس نقشه چیز نظام نابرابری های اجتماعی را انداز

هم عقیده با ایللیج

نقش مدارس در فعالیت های رهایی بخشی ناکند می کند

تفاوت با ایللیج

زیر

متفکر ملت فراتلفورت بود و سلطه گری و کنترل را از نتایج اجتناب ناپذیر نظام های سرمایه داری

می داند که در نهاد تعلیم و تربیت آن بحالی یافته. ارائه یک الگوی تربیتی بنیادگرا است. استفاده از نو آفای

تحول آخرین مدارس و بازگردان کلدی آن

هم عقیده با ایللیج

نظریه باز تولید

مباحث نابرابری های اجتماعی، نژادی، جنسی بر این مسئله تأکید دارد که نهادهای شروع مانند مدارس

نقش مهمی در باز تولید استیلا و برتری طبقه حاکم و گروه مسلط اجتماعی دارند. نظام آموزشی به تولید دانش

و ارزش های فرهنگی مورد نیاز برای یک جامعه نابرابر می پردازد. ما طبقه اجتماعی حاکم به حالت خود

اراضه دهد.

از نظر آنتونی گرافشی استیلا نابرابری ۲ معنادار است:

۱. طبقه مسلط سعی می کند نابرابری فکری و اخلاقی خود بر طبقه مادلان و پایین جامعه کنترل سیاسی

داشته باشد.

۲. استیلا به عنوان نیروی ایدئولوژیک مورد استفاده قرار می گیرد تا با باز تولید روابط اجتماعی بر دوازده

تحلیل های دیگر از نظریه باز تولید:

باز تولید اقتصادی ^{تأکید بر} ساختارهای کلان

باز تولید فرهنگی ^{تأکید بر} فرهنگ و ساختار خود

ایل

برای فرانکلین:

کنترل اجتماعی مدرسه (خدمت باز تولید ساختارهای فرهنگی برای حفظ وضع موجود است - که

کنترل فرهنگی بحث سعی در واسطه سازی افراد طبقه متوسط دارد و پس از آن نیز حافظه نظام سرمایه

داری است.

نظریه مقاومت :

حاصل انتقاد به نظریه باز تولید

هارگر نوز :

کعبود شواهد تجربی نقطه‌ی اصلی اتهام نظریه باز تولید

دان، مین، گرانت، ریچارد جاسون :

یکی از ضعف های نظریه باز تولید، عدم توجه به قابلیت مقاومتی معلمان و دانش آموزان در مدرسه

من باشد مدارس علاوه بر باز تولید اجتماعی و سیاسی، به باز تولید اشکال معینی از مقاومت و تعابیل

با فرهنگ و نظام حاکم نیز می پردازند ← نظریه بررسی مقاومت

این معتقد است که نظریه باز تولید و مقاومت در هم تنیده شده اند و باید هر دو مشکل آن به طور همزمان

مورد توجه قرار بگیرند چرا که هر جا باز تولید وجود داشته باشد، مقاومت نیز خواهد بود

مقاومت خود نیز یکی از اشکال تولید فرهنگی در مدارس است

فرلانگ، رینولدز و هافرسل به مفهوم «زنجار مقاومت آمیز» انتقاد کرده و گفته اند، مقاومت خود

در اثر نوع رفتار دانش آموزها بدید می آید

نظریه بازسازی اجتماعی :

گروه «اندیشمندان پیشرو» تحت تأثیر دیویس اعلام کردند که مدارس باید راهگشای ایجاد یک جامعه

نور و منفان تر باشند و خود را به ایجاد اصطلاحات اجتماعی معاصر سازند

Subject: Date:
* بازسازی کامل وسایل مدارس جهت رفع بحران فرهنگی در جوامع کنونی.

هدف نظریه: افزایش سطح آگاهی‌های انتقادی دانش‌آموزان برای فعالیت آن‌ها نسبت به

مشکلات جامعه و تلاش برای اصلاح آن‌ها.

استفان مان:

مدارس باید به پرورش درشدنگرش‌ها و مهارت‌های بی‌درازی در نسل نوزادان سازد تا جامعه‌ای

بهرتر از آنچه در آن زندگی می‌کنند ایجاد کنند.

از موضوع اساسی نظریه:

۱- نیاز جامعه به تغییر و اصلاح همیشگی

۲- از تغییرات ساختاری تربیت تحت تأثیر تدبیر جامعه، برای بازسازی و نوسازی جامعه استفاده کرد.

نقد نظریه انتقادی:

۱- در نظریه انتقادی تأکید افراطی بر نقش نظام تعلیم و تربیت وجود دارد.

۲- به جای دادن اللوهای رفیق و جامع برای رفع مشکلات نظام آموزشی، تنها به طرح فرآیندها یا انتقادات

پرافتد است.

۳- بسیار مشکل است که ساختار و برنامه و روابط قدرت در مدرسه به گونه‌های مضایر با هدف‌های

آن که به وسیله نظام کلان سیاسی و اجتماعی قرار می‌گیرد.